

# نیمه‌باز بودن مدارس و مشکلات تحصیلی کودکان استثنایی؛

## آموزش بخرنج

سمیرا سرچمی

گزارش

این میان در نظر بگیرید که اگر بچه ناشنوایی مادر و پدر ناشنوا هم داشته باشد، با چه مشکلاتی روبروست. زیرا در شرایط کنونی معلم و والدین باید مدام باهم در ارتباط باشند.

جدای از این موضوع بچه‌های ناشنوا دیگر نمی‌توانند از هم سوالات درسی‌شان را بپرسند.

مادر دیگری می‌گوید: «پسر من در چند باری که با دوستش ارتباط تصویری گرفت که بتونه مشکل درسیش رو بپرسه، هیچ کدوم نتونستن برای هم توضیح بدن مطلب رو در صورتی که قبلا در کلاس‌های حضوری تا حدودی توانایی این رو داشتن که برای هم مطالب درسی رو توضیح بدهند.»

این میان اگر ناشنوایی والدین کم سواد یا بی‌سواد داشته باشد خیلی بیشتر زبان می‌بیند و نیازمند این است که کسی نقش والدین را در زمان آموزش معلم برایش ایفا کند.

صحبت‌های این دو مادر از مشکلات آموزشی فرزندشان در حالی‌ست که ناشنوایی کودکان آن‌ها با عمل کاشت حلزون گوش درمان شده و آن‌ها پا به پای فرزندان‌شان برای بهتر شنیدن و راحت ارتباط برقرار کردن با دنیای پیرامونش تلاش کرده‌اند.

حالا تصور کنید که شرایط ناشنوایی و دیگر معلولان مثل نابینایان و... چیست که امکان تحصیل برای آن‌ها تا این اندازه فراهم نیست. چقدر شرایط سخت‌تر است.

مادر یکی از همین دانش‌آموزان از قول پسرش نقل می‌کند: «بچه‌م میگه من دوست دارم برم مدرسه با دوستانم بازی کنم حرف بزنم معلم رو ببینم.

تو خونه اینترنت همش قطع میشه. خط تصویر خرابه من درس رو نمی‌فهمم. من دوست دارم برم مدرسه دوستانم ناشنوایم رو ببینم. صورت معلم رو ببینم که درس متوجه بشم.

معلم وقتی ماسک نداره من صداشو خوب می‌فهمم با ماسک صداش متوجه نمیشم. با گوشی خوب نیست. حوصله‌مون سر میره مدرسه میریم با دوستانمون حرف می‌زنیم، خوش می‌گذره.

با گوشی چشمم و سرم درد می‌گیره. همش نگاه میکنم صفحه کوچیکه و حرکت معلم رو درست نمی‌بینم.

من گوشی ندارم. گوشی مامان هم که یا سر کارش هست و یا همش پیام میاد زنگ می‌خوره.

من حواسم پرت میشه. وقتی معلم فیلم می‌گیره و می‌فرسته اگر جایی از مطلب رو من متوجه نشم بعدش باید بپرسم و یاد بگیرم شاید فراموش کنم اما نمیشه و خیلی عصبی میشم ولی توی کلاس حضوری همون لحظه می‌پرسم و معلم حتما بهم یاد می‌داد. تا درس یادم نده نره.»

پدر و مادر دانش‌آموزان معلول از چالش‌هایی سخت‌گیر و طاقت‌فرسا می‌گویند. به این ترتیب که بسته به نوع معلولیت کودک، مثلا برای ناشنواییان و کم‌شنواییان اگر کلاس‌ها حضوری باشد، با وجود ماسک روی دهان آموزگار، بچه‌ها گفتار صحیح او را شفاف و رسا متوجه نمی‌شوند زیرا نیاز به لبخوانی و دیدن صورت کامل معلم دارند. اگر مجازی به ناشنواییان آموزش داده بشود، از نرم افزار شاد که آنلاین است عملا نمی‌توانند استفاده کنند. چون این نرم‌افزار میکروفن دارد و همین طور قطعی زیادی دارد.

همین قطع شدن مداوم باعث می‌شود دانش‌آموز ناشنوا از مفهوم و منظور و درک مطلب درسی که معلم می‌دهد، چیزی متوجه نشود و این باعث کلافگی دانش‌آموز می‌شود.

در آموزش‌های آنلاین نیز چون تصویر کوچک است و واضح نیست، تصویر معلم مبهم است و آموزگار نیز در خانه‌اش امکانات کافی برای ارتقا کیفیت تصویر ندارد. بنابراین والدین حتما باید از ابتدا تا پایان درس همراه دانش‌آموز باشند. در واقع یعنی والدین باید متوجه مفهوم درس بشوند و به دانش‌آموز انتقال بدهند.

حالا اینکه زمان داشته باشند و وقت بگذارند یک مساله است و اینکه در حد توان‌شان هست که واسطه‌ی انتقال درست مفهوم درس به فرزندشان باشند، یک مساله‌ی دیگر است.

گویا در نیمه دوم سال قبل یکی از معلم‌های ناشنوا در استان فارس هر روز به مدرسه می‌رفت و با توجه به امکانات مدرسه که قطعا از منزل شخصی بیشتر بود، به صورت آنلاین به بچه‌ها درس می‌داد که باز خروجی بهتری داشت. مادر یک دانش‌آموز کم‌شنوا می‌گوید: «خود هزینه‌های سمعک و درمانی ناشنواییان و کاشت حلزون زیاد است و حالا باتوجه به مجازی شدن آموزش، خانواده‌ها باید هزینه اینترنت هم پرداخت کنند.

متأسفانه از سمت آموزش و پرورش استثنایی بسته اینترنتی داده نشده یا اگر هم داده شده کفاف آموزش را نمی‌داده چون معلم نیاز به توضیح بیشتر و تکرار بارها و بارهای مطلب را داشته است.»

این مادر می‌گوید: همه این مشکلات باعث سرخوردگی کلافگی و سر درگمی دانش‌آموز می‌شود چون قطعا والدین توانایی و مهارت لازم رو برای آموزش و ادا کردن مفهوم درس را در حد معلم ندارند.»

بنابراین دانش‌آموز باید بارها کلیپ آموزشی را نگاه کند تا متوجه درصدی از مطلب درس بشود که همین باعث سر درد و چشم درد او هم می‌شود.